

اسماعیلیه معاصر در تاجکستان

معراج الدین رسول اف^۱

چکیده

کیش اسماعیلی از آغاز پیدایش خود در تاجیکستان نیز نفوذ پیدا کرد و در دهه پایانی قرن سوم هجری، فعالیت این مذهب در آن دیار اوج گرفت. ناصر خسرو از سال ۴۴۴ تا ۴۸۱ ق در بلخ و بدخشان، به عنوان داعی و حجت به تبلیغ آیین اسماعیلی مشغول بود و بزرگترین نقش را در ترویج و گسترش کیش اسماعیلی در تاجیکستان قرن پنجم هجری داشته است. در هنگام حمله مغول به تاجیکستان، مناطق بدخشان که در حصار کوهها بودند، از بلیه مغول مصون ماندند. بنابراین، بدخشان پناهگاهی شد برای اسماعیلیان نزاری و به گنجخانه نوشته‌ها و آثار ایشان مبدل گشت. در مورد تاریخ جدید اسماعیلیان تاجیکستان اطلاعات فراوانی در دست نیست. در مجموع، اسماعیلیان تاجیکستان در دوره‌های اخیر از لحاظ علمی و فرهنگی در انحطاط افتادند و در عقایدشان خرافات بسیار راه یافت. آنان در مورد حضرت علی (ع) و امامان اسماعیلی‌شان غلو می‌کنند و معتقد به نوعی حلول و تناسخ در مورد ائمه‌اند و به احکام شرعی نیز چندان پایبندی ندارند. در این تحقیق سعی می‌شود تا با به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی روایت روشنی از اسماعیلیان تاجیکستان با توجه به گذشته تاریخی آن‌ها ارائه شود.

واژه‌های کلیدی

اسماعیلیه، تاجیکستان، بدخشان، ناصر خسرو، غلو، تناسخ.

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ تشیع، جامعه المصطفی العالمیه. Sahsa_ivanuf@yahoo.com

مقدمه

فرقه‌ی اسماعیلیه یکی از شاخه‌های تشیع است که پس از شهادت امام صادق علیه السلام پدیدار شد و در امتداد تاریخ، به آیینی عرفانی و باطنی تبدیل گردید. این فرقه از همان آغاز در جهان اسلام نفوذ پیدا کرد و به ایفای نقش در تکوین تمدن اسلامی و ایجاد میراث علمی، فرهنگی آن پرداخت.

هم اکنون، اسماعیلیان پس از شیعیان دوازده امامی، دومین جماعت بزرگ مسلمانان شیعی مذهب را تشکیل می‌دهند و امروزه به عنوان اقلیتی دینی در بیش از بیست و پنج کشور در آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی پراکنده هستند. (دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ۱) تاجیکستان یکی از این کشورهاست و از دیرباز موطن اسماعیلیان بوده است. بعد از سلطه‌ی روس‌ها بر سرزمین تاجیکستان و قطع ارتباط اسماعیلیان این منطقه با امامان خود و جهان اسلام، وضعیت ایشان در هاله‌ی از ابهام باقی مانده است. متأسفانه به دلیل عدم شناخت از عقاید اسماعیلیان این کشور، انواع افسانه‌ها و شایعات به ایشان نسبت داده می‌شود. در نوشتار حاضر تلاش شده است نقطه‌ی آغازی برای پژوهش در این موضوع ترسیم شود. با توجه به کمبود منبع در این زمینه، این نوشتار فقط می‌تواند به‌عنوان طرحی مختصر در باب مطالعه تاریخ و عقاید اسماعیلیه تاجیکستان تلقی شود.

آغاز ورود اسماعیلیه به تاجیکستان

مذهب اسماعیلیه در تاجیکستان با حمایت‌های حکومت فاطمیان مصر وارد شد. تبلیغات اسماعیلیه تا آن‌جا پیش رفت که بعضی وزیران و درباریان امیر نصر بن احمد سامانی (حک: ۳۰۱-۳۳۱ ق) به کیش اسماعیلی درآمدند. (واعظ بلخی، ۲۹۴ و ثعالبی، ۱۷۰) پیروان اسماعیلیه که در این سرزمین، قدرت و نفوذ فراوانی یافته بودند، پس از مرگ نصر بن احمد و در آغاز کار نوح بن نصر به شدت سرکوب و قتل عام شدند. (ثعالبی، ۱۷۰ و ۱۷۱ و ابن ندیم، ۲۶۶) با وجود این قتل عام و شدت عمل نوح بر ضد اسماعیلیان، دعوت اسماعیلیه در ماوراءالنهر خاموش نشد، بلکه از شکل علنی به صورت مخفی بدل شد. به این ترتیب، به حیات خود ادامه داد و هواداران بسیاری را جذب کرد. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۱۹۶) پدر و عموی ابوعلی سینا، حکیم و

فیلسوف مشهور نیز از اسماعیلیانی بودند که در حوالی بخارا زندگی می‌کردند. (قفطی، ۵۵۵) پس از سامانیان و در پی دگرگونی‌هایی که در ماوراءالنهر و بخش‌های شرقی ایران رخ داد، دعوت اسماعیلی در آسیای مرکزی از توفیق بیش‌تری برخوردار شد. اگرچه در این دوره، دعوت به‌صورت سری بود، اما از شواهد و حوادث بعدی که در سال ۴۳۶ ق رخ داد، کاملاً آشکار است که اسماعیلیه در ماوراءالنهر حضور فعال داشتند و برای قراخانیان که سنیان حنفی استواری بودند و خود را مولای امیرالمؤمنین می‌نامیدند، خطری جدی به شمار می‌رفتند. در پی چنین احساس خطری بود که بُغراخان عده‌ی زیادی از اسماعیلیه را در سال ۴۳۶ ق در بخارا به قتل رساند. به ظاهر، علت این قتل عام آن بود که داعیان اسماعیلی با موفقیت، مردم را به بیعت با مُستنصر، خلیفه فاطمی، ترغیب می‌کردند. (ابن اثیر، ۶/ ۱۲۵ و دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۲۴۶ و بارتولد، ۲۳۹)

دعوت اسماعیلی در منطقه سغد^۱ همانند دیگر نقاطی که تحت سلطه‌ی ترکان سنی مذهب درآمد بود، چه در بعد فرهنگی و چه در بعد نظامی، به‌صورت سری به حیات خود ادامه داد. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۲۴۵-۲۴۶) در سال ۵۷۷ ق از فقهای سمرقند^۲ در باب رفتار با اسماعیلیانی سؤال شد که قصد توبه داشتند. ملایم‌ترین جواب ایشان آن بود که باید تمامی کسانی را که گمراه ساخته و به دین خویش درآورده‌اند، به دین اسلام بازگرداند، ولی عموماً توبه فرد پذیرفته نمی‌شد و چاره‌ای جز مرگ نبود. (هاجس، ۲۴۹)

حضور اسماعیلیه در ماوراءالنهر در نیمه دوم قرن ششم هجری، هویدا و مشهود بود و دشمنی و مخالفت فقهای سمرقند و ترس از حضور آنان نیز ادامه داشت و گاهی فتاوای ضد اسماعیلی در بلخ و سمرقند صادر می‌شد. (هاجس، ۳۴۳)

حمله چنگیز به تاجیکستان در سال ۶۱۸ قمری آغاز شد که علی‌رغم مقاومت سرسختانه‌ی مردم، مغول‌ها بر بیش‌تر مناطق این سرزمین مسلط شدند. پیامد حمله‌ی مغول به این کشور، آسیب‌های بزرگی بود که بر فرهنگ و تمدن آن وارد شد و شهرهای زیادی تخریب گردید.

۱. سغد نام یکی از ولایت‌های کشور تاجیکستان است و مرکز آن شهر خُجَند نام دارد.

۲. شهر سمرقند به‌عنوان معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شهر ماوراءالنهر، در فاصله ۳۰۰ کیلومتری جنوب‌غربی تاشکند، پایتخت جمهوری ازبکستان واقع شده است.

تقریباً یک قرن پیش‌تر از آن، یعنی در سال ۴۸۷ق، اسماعیلیه به دو شاخه‌ی نزاری و مستعلوی تجزیه شده بود و در قهستان ایران سلسله‌ی نزاری حاکم بود. قلعه‌ی الموت^۱ در سال ۶۳۳ق به دست مغول‌ها تخریب گردید و حکومت قهستان توسط مغولان به حاکمان سنی آل‌کرت (حاکمان هراتی) واگذار شد. اما کوه‌های پامیر و هندوکش و مناطق بدخشان که در حصار این کوه‌ها بود، از بلیه‌ی مغول مصون ماند و پناهگاهی برای اسماعیلیان نزاری شد که از بیم قتل‌عام مغول از قهستان فرار کرده بودند. (اقبال، ۱۱۰)

ناصر خسرو و اسماعیلیه‌ی تاجیکستان

ناصر خسرو بزرگ‌ترین نقش را در گسترش کیش اسماعیلی و تعالیم آن در تاجیکستان داشته است. وی که متکلمی دانشمند، فیلسوفی توانا، جهانگردی ادیب و شاعری نام‌آور در زبان فارسی بود، در سال ۳۹۴ق در بلخ متولد شد. (ناصرخسرو، دیوان، ۵۰۷ و دفتر، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ۱۴۱)

ناصرخسرو، پس از دوران جوانی سفر هفت ساله‌ای را به قصد حج آغاز کرد. در آخر این سفر، به دیدار ابومقیم معد بن علی المستنصر بالله، خلیفه فاطمی در مصر نایل شد و با داعی الدعات، مؤیدالدین شیرازی رابطه دوستی برقرار کرد. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۲۵۱ و جمعی از نویسندگان، ۴۱۲) ناصرخسرو سه سال در قاهره ماند و به عنوان داعی تعلیم و تربیت یافت. در سال ۴۴۴ق به بلخ بازگشت و به عنوان داعی، یا به گفته‌ی خودش «حجت خراسان»، کار خود را آغاز کرد و پایگاه سرّی خود را در بلخ مستقر ساخت. (ناصرخسرو، زاد المسافرین، ۲۸۰ و دفتر، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۲۵۰ و دفتر، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ۱۴۲) بر اثر تبلیغ مذهب اسماعیلی افکار عمومی و نظر حکام علیه او برانگیخته شد و در سال ۴۶۶ق برای نجات جان خود به سرزمین بدخشان (پامیر) رفته در روستای یمگان مستقر گردید. (ناصر خسرو، سفرنامه، ۹) در آغاز با مشکلات زیادی در این منطقه رو به رو شد، اما با جابجایی حاکمیت بدخشان و به حکومت رسیدن علی بن اسد، با آزادی بیش‌تر به فعالیت خود ادامه داد و تشیع اسماعیلی را در

۱. پایگاه اسماعیلیان نزاری در ایران.

این دیار به صورت بی سابقه‌ای گسترش داد. (جعفریان، ۶۱۸) امیر مزبور نسبت به ناصر خسرو علاقه و احترام خاصی داشت تا آن جا که گمان می‌رود خود او نیز اسماعیلی مذهب بوده است. (ناصر خسرو، جامع الحکمتین، ص ۷)

مطابق روایات محلی اسماعیلیان امروز بدخشان از ناصر خسرو به عنوان «شاه سیدناصر» نام می‌برند و هنوز برای او احترام بسیاری قائل‌اند و حتی برخی از آثارش را از بر دارند، چراکه ناصر خسرو بود که مذهب اسماعیلی را در بدخشان رونق بیش‌تری بخشید. بدخشان پس از آن یکی از مراکز اسماعیلیه و پایگاه اسماعیلیان نزاری پس از تخریب قلعه الموت در ایران شد. اقامت پانزده ساله‌ی ناصر خسرو در دره‌ی یمگان باعث شد که دامنه‌ی تبلیغ او بسیار فراتر از آن جا رفته و بسیاری از مردم قراتگین، خوقند، بدخشان و بعضی روستاها و شهرهای دیگر اسماعیلی مذهب شدند. (خوش‌دل، ۲۴۲) بدخشان بر اثر تاخت و تازهای سیاسی هم‌چنان مذهب خود را حفظ کرد. در قرن ۱۰ق شاه رضی‌الدین، رئیس اسماعیلیان کوهستان بدخشان، قسمتی از بدخشان را تصرف کرد، اما در سال ۹۱۵ ق به قتل رسید. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۴۷۱/۲) می‌توان ادعا کرد وجود و کثرت اسماعیلیان فعلی در پامیر^۱، ثمره‌ی تبلیغ و تعلیم ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ق) است. برخی محققان حتی ورود اسماعیلیه در بدخشان را هم زمان با ورود ناصر خسرو به آن جا و به دست او می‌دانند. (دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ۲۵۱) آقاخانیه:

امروزه از چهار امام آخر قاسم شاهی به عنوان آقاخانیه نام برده می‌شود. آقاخان، لقبی است که امامان قاسم شاهی از حکام سلسه‌ی قاجار (۱۱۵۸-۱۳۰۴ق) دریافت کرده‌اند. فتحعلی شاه قاجار (۱۱۵۶-۱۲۱۳ق) بنابر ارادت و علاقه‌ای که به حسن علی شاه (۱۱۸۱-۱۲۶۰ه.ق) پسر خلیل‌الله (م ۱۱۹۵ق) داشت، او را به لقب آقاخان ملقب کرد و حاکمیت محلات و قم را در اختیار وی قرار داد. هم‌چنین یکی از دختران خود به نام سرو جهان خانم را به زنی به حسن علی شاه داد. (پیشین، ۵۷۶ و عارف، ۱۱۳/۴)

آقاخان اول به سبب تحرکات و توطئه‌های میرزا آقاسی و بعضی درباریان در سال ۱۲۱۹ ق مدتی

۱. پامیر یکی دیگر از نام‌های بدخشان تاجیکستان می‌باشد.

در کرمان شورش کرد، اما عاقبت کار او به شکست منجر شد و ناچار در سال ۱۲۲۰ ق به افغانستان رفت. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۵۸۱ و دائرة المعارف فارسی، ۱/۱۸۱) بر طبق شواهد، همکاری نزدیکی میان آقاخان اول و بریتانیایی‌ها پدید آمد که امکان دارد محرک فعالیت‌های پیشین او در داخل ایران، برای حفظ منافع حکومت بریتانیا در هند بوده باشد. (دفتری، پیشین، ۵۸۲ و عارف، ۱۱۳/۴)

آقاخان اول از افغانستان به بمبئی در هند رفت و در آن‌جا سکونت گزید. عزیمت آقاخان به افغانستان و هند آغازگر رابطه‌ی نزدیک و طولانی بین او و جانشینانش با دولت انگلیس شد که در دهه‌های بعد به صورت چشم‌گیری گسترش پیدا کرد. (بهمن پور، ۱۲۸ و فرقانی، ۴۲۲) آقاخان بمبئی را مرکز فرقه و دستگاه خویش ساخت. بعد از وفات او پسرش علی شاه آقاخان دوم در سال ۱۲۶۰ ق به امامت رسید و بعد از چهار سال در سال ۱۲۶۴ ق در گذشت. (عارف، ۴/۱۱۵)

بعد از وفات آقاخان دوم، پسرش سلطان محمد شاه که کودکی ۸ ساله بود به امامت رسید. سلطان محمد در سال ۱۲۸۵ ق اتحادیه‌ی مسلمانان تمام هند را تشکیل داد تا حمایت مسلمانان هند را به حکومت انگلیس در آن کشور جلب کند. وی چندین نشان و لقب «سر» را از پادشاه انگلستان دریافت کرد. (دائرة المعارف جهان نوین اسلام، ۱/۲۸، بهمن پور، ۱۲۹)

آقاخان سوم، از دهه ۱۳۰۹ ق به بعد نماینده‌ی هند در جامعه‌ی ملل بود و در طی عمر دراز خویش شهرت و جاه و منکبت فراوان یافت. وی فردی سیاستمدار بوده و تحولاتی در عقاید اسماعیلیه ایجاد کرد. عاقبت در سال ۱۳۳۳ ق در ژنو وفات یافت. (دائرة المعارف فارسی، ۱/۱۸۳ و فرقانی، ۴۲۸)

طبق روال، باید پسرش علی خان (۱۲۹۴-۱۳۴۴ ق) امام می‌شد ولی آقاخان سوم نوه خود، کریم خان را که ۲۱ سال داشت به امامت بعد از خود انتخاب کرد. کریم خان فرزند ارشد علی خان در ژنو متولد و در دانشگاه هاروارد در رشته‌ی تاریخ فارغ‌التحصیل شد. مقرر او در نزدیکی پاریس است. وی از همان‌جا با جمعیت‌های گوناگون تماس دائم دارد و با بسیاری از آنان به‌طور منظم دیدار می‌کند. (دائرة المعارف جهان نوین اسلام، ۱/۲۹ و دفتری، ۶۳۰)

علت نام‌گذاری این فرقه به آقاخانیه همان نسبت آقاخان است که فتح‌علی شاه قاجار (۱۱۷۶-)

۱۲۱۳ق) به حسنعلی شاه (۱۱۸۱-۱۲۶۰ق) داد. حسنعلی شاه پس از آن که داماد فتحعلی شاه شد، درباریان به احترام سیادت و دامادی شاه به او آقاخان خطاب می‌کردند و بعد سایر مردم و پیروان او هم وی را آقاخان می‌نامیدند. تا بالاخره، این نام برای او علم شد و بعد از فوت حسنعلی شاه آقاخان اول جانشینان او هم به همین اسم نامیده می‌شوند. (بامداد، ۱/ ۳۵۶)

ارتباط با امامان اسماعیلی

پامیر منطقه‌ای کوهستانی بوده و از مرکز اسماعیلیه دور بود، با اینحال مردم آن با امام خود در ارتباط بودند. در اوائل دوره‌ی بعد از الموت، امامان اسماعیلی از داشتن تماس و ارتباط مستقیم با پیروان خود محروم بودند؛ علی‌الخصوص اسماعیلیان پامیر، به این صورت مردم پامیر به تدریج تحت قدرت رهبران محلی خود قرار گرفتند که به آن‌ها پیر، شیخ و میر می‌گفتند. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۵۳۲)

این پیران، یا داعیان اعظم بودند که از طرف امام منصوب می‌شدند یا در محل به وسیله جماعت نزاری انتخاب می‌شدند. در دوره‌ی الموت داعیانی که از طرف امام مأمور شده بودند به پامیر آمدند و اولین بذر نزاری را در این سرزمین کاشتند. یک داعی به نام سید شاه ملنگ از خراسان به شوغان رفت و با خلع حکمران آن‌جا خود را در آن منطقه به قدرت رسانید. (دفتری، پیشین، ۵۵۳ و حسینی، ش ۵/۵۱)

بعد از شاه ملنگ، داعی دیگر به نام میر سید حسن شاه، ملقب به خاموش مأمور شد تا از اصفهان به طرف خراسان، ختلان^۱ و کوهستان برود. شاه خاموش به پامیر آمد از آن‌جا به ونج، درواز، مؤمن آباد و ختلان سفر نموده و دوباره به شوغان برگشت و در آن ساکن شد. (تاریخ بدخشان، ۱۲۲، ۱۲۷ و دفتری، پیشین، ۵۵۳) همین طور داعیان دیگری مانند: شاه برهان، پیر سید یوسف علی شاه، شاه کاشان، سیدحیدر شاه و سیدشاه محمد و دیگران نیز بودند. (فدای، ۱۱۹ و حسینی، ش ۵، ۵۱) همین داعیان بنیان‌گذار سلسله‌های پیران و میران این منطقه شدند و تنها همین پیران و میران می‌توانستند مدعی باشند که به امام نزاری، که به‌صورت پنهانی در ایران

۱. ولایت ختلان یکی از استان‌های کشور تاجیکستان و مرکز آن شهر قُرغان‌تپه است.

می‌زیست، دسترسی دارند. (دفتری، پیشین، ۴۹۹) این پیران از طریق جمع‌آوری وجوهات مردم به اقتدار رسیده بودند، بعضاً مستقل شده، این مقام را موروثی کردند. امام اسماعیلی متوجه این نکته شده و درصدد تضعیف مقام پیران محلی برآمده بدین ترتیب که افراد وفادار و معتمد خود را به جای آن‌ها منصوب می‌کردند و این افراد صدقات و عوائد مردم را جمع نموده نزد امام می‌فرستادند. (پیشین، ۵۳۲ و نادرخان، ۱۵۷) این امر باعث آگاهی مردم پامیر از محل سکونت امام و امکان ملاقات با او در مواقع لازم شد. وقتی شاه قاسم پسر خود اسلام شاه و شاه ذوالفقار (م ۱۰۱۳ ه.ق)، شاه نورالدین (م ۱۰۵۰ ه.ق) را به جانشین خود برگزیدند مردم و بعضی بزرگان پامیر مانند: سیدحیدر شاه، سیدشاه محمد و دیگران جهت تبریک و تهنیت، با سهم امام و نذورات و صدقات مردم به محضر امام رسیدند. (فدای ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۴۰)

آقاخان اول در مدت هشت ماهه‌ی اسارت خود، جز دریافت وجوه و دیون مذهبی که به وسیله‌ی نمایندگان نزاریان خراسان، بدخشان و هند برای او آورده می‌شد اجازه هیچ‌گونه فعالیت تبلیغی، مذهبی را نداشت. اما هنگامی که وی به افغانستان رفت اسماعیلیان بدخشان، بخارا و سند به دیدارش به قندهار آمدند. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۵۷۷، ۵۸۲) بعد از آقاخان اول و در دوره‌ی کوتاه امامت آقاخان دوم علی شاه (۱۲۰۹-۱۲۶۴ ق) مردم پامیر، کماکان با امام خود در ارتباط بودند و آقاخان دوم به اسماعیلیان پامیر همانند سایر اسماعیلیان توجه خاصی داشت. (دفتری، پیشین، ۵۹۰)

در دوران امامت آقاخان سوم سلطان محمد شاه (۱۲۵۶-۱۳۳۶ ق) که اوج اقتدار و شکوفایی فرقه‌ی آقاخانیه است، مردم پامیر چندان با امام خود ارتباط نداشته‌اند. ظاهراً مشغولیت‌های مختلف آقاخان چندان بوده است که فرصتی برای ارتباط نزدیک‌تر با پیروانش در پامیر نداشته است. (دفتری، پیشین، ۵۹۰)

به این ترتیب اسماعیلیان پامیر به تدریج از پیکر اسماعیلیان جهان جدا می‌شدند. دو عامل دیگر را نیز می‌توان در قطع ارتباط اسماعیلیان پامیر با امام خود، دخیل دانست: یکی دعوا میان انگلستان و روسیه بر سر پامیر که در نهایت پامیر به تصرف روسیه درآمد و در سال ۱۲۷۴ ق با مرز قرار دادن آمودریا (دریای پنج) پامیر تاجیکستان از بدخشان افغانستان جدا شد. (تاریخ

بدخشان، ۱۱۶ و غفوروف، ۱۰۱۲) دیگری سقوط حکومت بخارا در سال ۱۲۹۹ق به دست کمونیست‌ها و تأسیس کشور سوسیالیستی تاجیکستان در سال ۱۳۰۸ه.ق بود. (ذاکراف، ۵۷) احتمالاً پامیری‌ها تا تشکیل کشور سوسیالیستی تاجیکستان (۱۳۰۸ق) با آقاخان در ارتباط بوده‌اند. به گفته عشرت‌شاه حق‌داد شاه‌اف خلیفه‌ی مرکز اسماعیلیان پامیر در شهر خارغ،^۱ تا سال‌های چهل قرن بیستم، پیام امام (آقاخان) به پیرها و از پیرها به خلیفه‌ها و از خلیفه‌ها به مریدان می‌رسیده است. با وجود این در طی قرن بیستم به دنبال استقرار حکومت‌های کمونیستی در منطقه، آقاخان‌ها هیچ گونه تماس و ارتباطی با پیروان خود در آسیای مرکزی و ترکستان چین نداشته‌اند. در پی از بین رفتن رژیم شوروی، در سال‌های اخیر آقاخان چهارم روابط نزدیکی با پیروان خود در سرزمین‌های آسیای شوروی سابق به خصوص در کشور تاجیکستان برقرار کرده است. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۶۱۷)

رهبران مذهبی

اسماعیلیان بدخشان برای پیران اهمیت بسیاری قائل بودند چراکه ایشان در واقع متولیان و رهبران مذهبی اسماعیلیه در مناطق بودند. اسماعیلیان بدخشان از آن‌جا که تابع محض پیران و میران خود بوده و انحراف از راه ایشان را بر نمی‌تافتند. بنابر تعظیم، پیران و میران خود را شاه گویند. (نادرخان، ۱۵۸) پیران را آقاخان انتخاب می‌کرد و با این حال در انتخاب پیر جدید نظر پیروان پیر متوفای قبلی نیز دخالت داشت. اما آقاخان این توانایی را داشت که با توجه به نظرات مردم یا مطابق میل خود پیری را برگزیند یا او را از وظیفه برکنار نماید. مثلاً سید یوسف‌علی شاه بعد از فوت پدرش، با خواهش مردم به عنوان پیر تعیین گردید و به دنبال آن تحفه‌ها و تقاضانامه‌ی مردم برای آقاخان ارسال و نظر موافق وی کسب گردید. (بارینسکی، ۱۴)

۴۱

هر پیر دارای خلیفه‌هایی بود و خلیفه از طرف پیر تعیین می‌گردید و البته در این کار سیدها افضل بودند. خلیفه مطیع پیر خود بوده و حق تقسیم میراث و یا اموال را که تنها وظیفه پیر بود نداشت، چون خلیفه به منزله‌ی واسطه پیر و مریدان عمل می‌کرد و وظیفه‌ای اصلی وی جمع‌آوری زکات

۱. خاروغ مرکز استان خودمختار کوهستان بدخشان تاجیکستان است.

از مردم و اجرای سنت‌های دینی بود. (بارینسکی، ۱۵)

خلیفه‌های پیران بر اساس تعداد مریدان تعیین می‌گردیدند برای مثال: تعداد مریدان و خلفای یوسف‌علی شاه بدین ترتیب بود، ۴۰۰ خانواده در شوغنان^۱ با ۱۱ خلیفه، ۲۰۰ خانواده در درواز افغانستان با ۷ خلیفه، ۲۰ خانواده در اوش که برادر خود وی خلیفه‌ی آن‌جا بود. (بارینسکی، ۱۶)

یکی دیگر از پیران که دارای خلیفه‌های متعدد بود پیر سیداحمد شاه است که اسلاف وی از مدینه آمده بودند. مریدان این پیر حدود ۱۵۰۰ خانواده را شامل می‌شد. خلیفه‌های وی به این ترتیب بودند: یک خلیفه در شاه دره دهی پرخید^۲، یک خلیفه در زیباک در قشلاقی بازگیر^۳، یک خلیفه در یارکند^۴، و یک خلیفه در فیض‌آباد و همین‌طور خلیفه‌های متعدد در جای‌های دیگر داشت. (بارینسکی، ۱۸)

یکی دیگر از پیران که دارای خلیفه‌های بسیار بود، پیر سیدمرسل بود؛ اجداد وی از خراسان به بدخشان آمده و در وخان در قشلاق شیگین^۵ ساکن شده بودند. پیر سیدمرسل بعد از مرگ پدرش سیدمیرزا اشرف با خواهش مردم از طرف آفاخان به‌عنوان پیر انتخاب شد. خلیفه‌های وی به این قرار بودند: یک خلیفه در روشن^۶، خلیفه‌های در اشکاشم^۷ و زیباک^۸، یک خلیفه در ده دارون افغانستان، یک خلیفه در چترار ده ریچ^۹ و در جاهای دیگر خلیفه‌هایی داشت. (بارینسکی، ۲۲)

هم‌چنان که دیدیم مریدان پیرها از مناطق مختلف بودند، علت پراکندگی آن‌ها این بود که بنا به اقتضای زمان و مکان محل خود را عوض می‌کردند، چرا که گاهی مورد ظلم و غضب حاکمان

۱. شُغنان یکی از ناحیه‌های ولایت خودمختار کوهستان بدخشان است که در شرق جمهوری تاجیکستان قرار دارد. مرکز آن روستای میدین‌شار است که در کناره رود پنج در مرز با افغانستان قرار دارد.
۲. شاه دره: یکی از روستاهای بدخشان تاجیکستان می‌باشد.
۳. بازگیر: روستای واقع در بدخشان تاجیکستان
۴. یارکند: شهری است در ترکستان شرقی میان کاشغر و ختن از توابع چین.
۵. شیگین: یکی از روستاهای بدخشان تاجیکستان می‌باشد.
۶. روشن: جماعت و شهرکی در جنوب شرقی کشور تاجیکستان است که در ناحیه‌ی روشن ولایت مختار کوهستان بدخشان قرار دارد.
۷. اشکاشم: یکی از ناحیه‌های ولایت خودمختار کوهستان بدخشان است که در شرق جمهوری تاجیکستان قرار دارد.
۸. زیباک: یکی از ناحیه‌های ولایت خودمختار کوهستان بدخشان است که در شرق جمهوری تاجیکستان قرار دارد.
۹. چترار: شهرکی در ولایت بدخشان تاجیکستان قرار دارد.

قرار می گرفتند یا به علت کمبود زمین مناسب برای کشاورزی یا فقر مجبور به ترک محل می شدند. (حسینی، ش ۵، ۵۴)

یکی از ویژگی های اسماعیلیان پامیر این بود که تغییر پیر گناهی بزرگ به حساب می آمد و کیش اسماعیلیه نیز این را منع کرده است. نه تنها مریدان بلکه اولاد و اهل خانواده آنها نیز باید مرید پیران خود باقی می ماندند. فعالیت اسماعیلیه پامیر به حالت سازمان وکالت بوده و نظام خلیفه ها و پیران نیز مانند مرجعیت است. خلیفه ها صدقات و وجوهات مردم را جمع آوری می کردند و جمعه شب ها نیز مردم جمع شده و نزد پیر یا خلیفه کتاب «کلام پیر» را می خواندند و آن را شرح و تفسیر می کردند. گاهی جلسات در مزار شیوخ و بزرگان نیز صورت می گرفت و با شنیدن مواعظ و قصص بزرگان قوم و مراسم ختم نیز همراه می شد. (پیشین، ۵، ۵۵ و نادرخان، ۲۰۵)

این حالت تا ابتدای قرن بیستم و تشکیل حکومت های کمونیستی شوروی به حال خود باقی بود. بعد از تشکیل کشور سوسیالیستی تاجیکستان (۱۳۰۸ق) مردم پامیر با امام خود ارتباط نداشتند و طبیعتاً دست به دامان پیران و خلیفه های خود می شدند. پیران و خلیفه های قرن بیستم با پیران و خلیفه های قبل از آن کاملاً فرق داشتند، چون پیران و خلیفه های دوران قبل، از دانشمندان و عالمان انتخاب می شدند. ولی در قرن بیستم پیران این ویژگی ها را نداشتند. در این دوره عالمان و طالبان دینی در میان مردم پامیر نبودند. به همین سبب مردم پامیر امروزی از مسائل مذهبی اسماعیلی آگاهی چندانی ندارند و غالباً بر اساس سنت های مرسوم جامعه و باورهای دینی ناشی از نقل قول ها و سنت هایی که کهن سالان، پیران و پدران آنها از گذشته در خاطر سپرده اند، زندگی می کنند. (عدن نیبی، ش ۱، ۱۷۸ و نادرخان، ۱۸۶)

یکی از خلیفه های کنونی اسماعیلیان پامیر آقای عشرت شاه حق داد شاه اف در مورد تغییر و دگرگونی شیوه های پیام رسانی پیران می گوید که در حال حاضر احکام و دستورات امام زمان، از اداره و مؤسسه ی خاص امام می گذرد و از آن جا به خلیفه ها ابلاغ می گردد خلیفه ها آن را فرا گرفته، سپس به مریدان می رسانند. این همان ساختار پیران قدیم است که شکل دیگر گرفته است.

ورود آقاخان به تاجیکستان

اسماعیلیان پامیر در قرن بیستم دوران سختی را پشت سر نهاده‌اند؛ از یک طرف عدم ارتباط با امام، رکود، ضعف و در معرض خطر قرار داشتن مسائل دینی و مذهبی و از طرف دیگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی دشواری که بر اثر جنگهای داخلی تاجیکستان (۱۳۷۰-۱۳۷۱ق) بر جامعه تحمیل شده بود، مردم این منطقه را در تنگنای سختی قرار داده بود. (مانوچهریان، ۲۰۲ و ذاکرف ۲۲۳)

شاید مردم دور افتاده‌ی بدخشان از لحاظ مادی منفعتی برای آقاخان نداشته باشد ولی نظر به علاقه‌ی وافر مردم این ناحیه که خود را شیعه‌ی اسماعیلی و آقاخان را امام خود می‌دانند، بی‌توجهی به آن‌ها دور از منطق خواهد بود. در این ایام آقاخان چهارم توجه خود را به اسماعیلیان پامیر معطوف داشت و کمک‌های وی هدیه الهی برای آن‌ها بود.

آقاخان چهارم، رابرت میدلتون را در تاریخ سوم شهریور ۱۳۷۱ش برای بررسی اوضاع بدخشان به تاجیکستان اعزام نمود، تا کمک‌های بشر دوستانه‌ی خود را از طریق بنیاد خود که مشهور به بنیاد آقاخان است به آن‌جا ارسال کند. رابرت میدلتون با رئیس جمهور تاجیکستان امام علی رحمان‌اف دیدار کرد و پیام آقاخان را به وی رساند. دولت تاجیکستان معاون رئیس شورای عالی تاجیکستان قائم داداف را به عنوان هماهنگ کننده‌ی امور بنیاد آقاخان در تاجیکستان انتخاب کرد. (حسینی، ش ۵، ۶۰) کمک‌های آقاخان چهارم، بیش‌تر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر افتتاح نیروگاه برق پامیر^۱، و کشت صد هکتار گندم جهت کسب تجارت بیش‌تر در این منطقه صورت گرفته است. (ذاکراف، ۲۳۱)

آقای غریب شاه شهبازاف رئیس شورای نمایندگان خلق بدخشان به منظور تشکر مردم بدخشان، ضمن نامه‌ای به آقاخان چهارم، مراتب قدردانی مردم را به وی رساند. آقاخان چهارم شخصاً به بدخشان سفر کرد و از نزدیک وضعیت آن‌جا را مشاهده کرد به این طریق اسماعیلیان پامیر برای اولین بار امام خود را از نزدیک دیدند، شاید در طول تاریخ اسماعیلیان بدخشان، آقاخان چهارم اولین امامی است که به این منطقه آمده باشد.

در سال ۱۳۸۲ش وقتی که آقاخان چهارم از بدخشان دیدن کرد، برنامه‌هایی را در راستای مسائل

دینی و مذهبی اسماعیلیان مطرح کرد و در همان سال کلنگ مرکز اسماعیلیه در شهر دوشنبه زده شد. هرچند آقاخان چهارم بر عدم دخالت در سیاست تأکید نموده ولی علاقه‌ی خود را به آن‌جام امور سیاسی نشان داده است. از مقاله‌ها و سخنان وی چنان معلوم است که او در سیاست پیرو راه و روش آقاخان سوم سلطان محمد شاه (۱۲۵۶-۱۳۳۶ق) در سال‌های آخر امامت وی است. (ذاکراف، ۵۹)

ورود آقاخان چهارم به تاجیکستان علاوه بر کمک‌های اقتصادی، اجتماعی و توجه به مسائل پیروان اسماعیلی هدف دیگری را نیز به دنبال داشت. به نظر می‌رسد وی برای ایجاد یک دولت یا منطقه خودمختار در بین سه کشور تاجیکستان، افغانستان و پاکستان به‌عنوان محل زیست اسماعیلیان تلاش می‌کند. این طرح از جمله برنامه‌های انگلیس و آمریکا برای نفوذ در محدوده‌ی یاد شده است چراکه هم مرز با روسیه و چین است. پس از آن‌که آمریکا به افغانستان حمله کرد و مرزبانان روسی از خط مرز تاجیک و افغان خارج شدند، طرح ذکر شده از سر زبان‌ها افتاد چنین احتمالاتی از آن‌جا مطرح می‌شود که این خانواده (آقاخان‌ها) بیش از صد و شصت سال به‌طور مداوم روابط نزدیکی با استعمارگران غربی به‌خصوص انگلیس داشته‌اند.

اعتقادات اسماعیلیان پامیر

اسماعیلیان پامیر اعتقادات خاصی دارند که با سایر مسلمانان و شیعیان تفاوت عمده دارد. از سوی دیگر اعتقادات آن‌ها با مسائل عقیدتی فاطمیان مصر و اسماعیلیان قبل از الموت و به‌خصوص ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ق) تفاوت فراوانی دارد. از این رو ما در صدد بیان مسائل اعتقادی اسماعیلیان پامیر نیستیم ولی جهت آگاهی و آشنایی با برخی از مسائل مذهبی شان به‌طور خلاصه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

امامت

امامت که یکی از ارکان بنیادین شیعه می‌باشد، در نزد اسماعیلیان نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ آن‌ها معتقد به وجود امام در همه دورها هستند. (ناصر خسرو، وجه دین، ۲۴۲، وخیر خواه، ۱) اسماعیلیان معتقدند که مقام امامت یک مقام انتصابی است و امام از طرف خدا و امام

قبلی منصوب می‌شود. (ناصر خسرو، پیشین، ۲۴۶) یعنی امامت با نص از پدر به پسر می‌رسد نه به کسی دیگر از خانواده امام مانند: برادر، عمو و غیره. (میثم، ۱۲۰)

اگر این را اساس امامت نزد اسماعیلیه بدانیم، چگونه صحیح خواهد بود که آقاخان سوم به اصل دینی پایبند نبوده است. چون وی ابتدا پسر ارشد خود علی خان (۱۲۹۴-۱۳۴۵ق) را برای ولی‌عهدی برگزید و در آخر عمر هر دو پسرش علی خان و صدرالدین را از امامت محروم کرد و طی وصیتی نوه‌اش کریم آقاخان چهارم را به امامت مذهب اسماعیلیه برگزید. (پیشین، ۱۲۲؛ فرقانی، ۴۲۸)

جا دارد در این‌جا به مفهوم مقام امامت نزد آقاخان سوم نیز اشاره شود چون فرقه‌ی آقاخانیه در دوران وی انسجام و ترقی یافته است، وی چنین اعتقاد دارد که:

جد بزرگم علی علیه السلام هنگام وفات به امامت حسین علیه السلام وصیت کرد و به همین روش امامان بعدی یکی بعد از دیگری اوصیای خود را تعیین کردند تا مردم را به سوی سعادت و نجات رهبری کنند و امام هر عصری دارای ارشادات و تعلیماتی است که با شرایط و اوضاع و احوال آن عصر هماهنگ است. بر شما باد به شناختن من و پیروی از رهنمودهایم و عمل به آن‌ها و بر شما باد به شناخت آن‌چه که از شما پنهان است. (فرقانی، ۱۲۶-۱۲۷)

آقاخان سوم امامت خود را در امتداد امامت حضرت علی علیه السلام می‌داند و به عقیده وی امام حسن علیه السلام امام نبوده است. او به صراحت مردم و پیروان خود را به اطاعت از خود دعوت می‌کند. این‌جا است که متوجه می‌شویم اسماعیلیان پامیر چه قدر به امامان خود اعتقاد دارند، که نام آن‌ها را با جلال و کمال به زبان می‌آورند. طبق گفته‌هایی که شنیده‌ام حتی آن‌ها را به مقام خدایی رسانده‌اند، هم‌چنان که در هندوستان به آن‌ها الوهیت نسبت داده شده است. (فرقانی، ۱۲۴ و ۱۹۸)

آقاخان سوم به گفته‌های خود کاملاً پایبند نبوده است. پدر و پدر بزرگ وی هر طوری که بودند ظاهر را رعایت می‌کرده‌اند ولی وی این‌گونه نبود؛ نگاه به تاریخ زندگی وی نشان از عدم پایبندی به اصول دین، مذهب اسماعیلی و اسلام است. وقتی که نوبت به سلطان محمد شاه آقاخان سوم رسید، به‌خاطر لایابالی‌گری و اظهار واقعیات خود، بسیاری از پیروان اسماعیلی

برگشته و شیعه اثنی عشری شدند. (فرقانی، ۱۹۴)

حج

اسماعیلیان آقاخان به مسأله حج هم توجه دارند، اما حج به معنای زیارت امام است یعنی زیارت آقاخان حکم حج را دارد و به آن حج در خانه می‌گویند، آنان حج بیت‌الله را واجب نمی‌دانند. (هالیستر، ۴۳۶ و فرقانی، ۱۲۴ و بهمن پور، ۳۵۱) اسماعیلیان برای زیارت به بمبئی می‌روند و در آن جا یک‌سال یا بیش‌تر یا کمتر توقف می‌نمایند، منتظر می‌مانند تا سرکار (آقاخان) از لندن تشریف بیاورند. اما غالب اوقات آقاخان را ندیده بر می‌گردند چراکه: خیر الزیارة فقدان المزور. بعد از مراجعت نیز، بعضی را کربلایی و برخی را حاجی خطاب می‌کنند. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۱۹۵) گاهی هم پیروان برای زیارت آقاخان از آفریقا به فرانسه و یا نقاط دیگری که وی در سفرهای مکررش چند روز در آن جا اقامت می‌کند، می‌روند.

به‌نظر می‌رسد مسأله حج نزد اسماعیلیان پامیر فرق می‌کند چون آن‌ها در مورد آن جام مراسم حج خانه‌ی خدا بسیار سخت‌گیرند. چنان‌که ایوان‌اف می‌گوید: وضع پیروان ایرانی این فرقه به‌کلی فرق دارد. آن‌ها که این شیوه پرستش هم‌کیشان هندی خود را نوعی بت‌پرستی می‌دانند؛ به ندرت به زیارت امام می‌آیند. (هالیستر، ۴۳۷) از سوی دیگر عدم رابطه با امام خود در قرن بیستم و هم‌جواری و زندگی با مسلمانان اهل سنت، باعث شد تا اسماعیلیان پامیر مانند سایر مسلمانان برای حج به زیارت خانه خدا و مکه و مدینه می‌روند.

ناگفته نماند که میان نسل جدید و قدیم تفاوت‌هایی وجود دارد، چون پیرمردان و کهن‌سالان کسی را که امام زمان و آقاخان را زیارت کند حاجی می‌گویند، ولی تعداد این افراد بسیار کم است. علت این که برخی اسماعیلیان پامیر به حج نمی‌روند یا نسبت به آن بی‌توجهند، این است که شرایط اجازه نمی‌دهد یا استطاعت آن را ندارند ولی کسانی هستند که در ایام حج به زیارت خانه خدا می‌روند.

حجاب

زنان اسماعیلیه در ابتدا مانند مسلمانان دارای ستر و حجاب بودند و ظاهراً حجاب را جزء مسائل

شرعی می‌دانستند، این مسأله تا زمان آقاخان سوم وجود داشته است. زنان اسماعیلی هنوز در نقاط مختلف حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند. اما با پا فشاری آقاخان سوم و اصرار وی بر منسوخ شدن حکم حجاب، زنان اسماعیلی حجاب را کنار گذاشتند. (بهمن پور، ۳۴۷ و دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۶۰۱) هدف آقاخان از کشف حجاب، آزادی و مشارکت زنان در امور اجتماعی است.

نشریه‌ی اسماعیلیه درباره‌ی زنان اسماعیلی می‌نویسد: «مدتی است که حجاب را کنار گذاشته‌اند» و در ادامه‌ی آن سردبیر نشریه گویی با افتخار می‌افزاید که: زنان اسماعیلی از هر لحاظ پیشرفته‌تر از زنان سایر فرقه‌های مسلمان هند هستند. (هالیستر، ۴۴۵) در مدرسه‌های آن‌ها دختران و پسران با هم درس می‌خوانند و هیچ پرده و حائلی دانش آموزان را از هم جدا نمی‌کند و می‌خواهند همه کلاس‌ها را مختلط کنند.

زنان اسماعیلی پامیر از این حکم استثنا نبودند و در کشف حجاب آن‌ها علاوه بر دستور آقاخان، حکومت شوروی سابق هم نقش داشت. امروزه زنان اسماعیلی پامیر ستر و حجاب ندارند. (نادرخان، ۲۰۷، ۱۸۴) البته باید توجه داشته باشیم که زنان اسماعیلی پامیر در نماز، حجاب و ستر دارند ولی در بیرون نماز و خارج از منزل چه در روستا و چه در شهر حجاب نمی‌کنند. شاید دستورات و احکام شرعی نبودن حجاب و ستر باعث شده باشد که زنان اسماعیلی پامیر زود در فرهنگ لباس پوشی زنان غربی و اجنبی هضم شوند و آن را برای خود یک نوع آزادی و مدنیت بدانند.

روزه

آقاخان‌ها روزه‌ی ماه رمضان را واجب نمی‌دانند و تنها یک روز از آن یعنی ۲۱ ماه رمضان را روزه می‌گیرند، چون در کتاب پندیات جوان‌مردی^۱ توصیه شده است که: روزه‌داری در یک روز از از سی روز (ماه رمضان) از آداب و رسوم است، اما بیش‌تر از آن ضروری نیست. (هالیستر، ۴۳۵ و بهمن پور، ۳۵۰) طریقه‌ی روزه نیز با روزه‌ی سایر مسلمانان تفاوت دارد؛ به این ترتیب که از شب

۱. کتابی است که امام اسماعیلیان در کهک قم آن را به زبان فارسی نوشت و نام آن را پندیات جوانمردی گذاشت و به پیروان پیروان خود که از هند آمده بودند گفت: این پیر شماس، از این کتاب پیروی کنید.

بیست و یکم هنگام خواب تا ساعت ۱۲ ظهر فردا از خوردن و آشامیدن اجتناب می‌کنند. (هالیستر، ۳۵۰)

اسماعیلیان پامیر این اعتقاد را ندارند چون روزه نزد آن‌ها فرض عین بوده و به دستور آقاخان فرض شده است و مدت آن سی روز می‌باشد. (ناصر خسرو، وجه دین، ۲۱۷) ولی علت روزه نگرفتن اسماعیلیان امروز پامیر این است که طی حکومت کمونیست‌ها، روزه در بدخشان تقریباً از بین رفته بود و کارمندان دولت آن را اکیداً ممنوع ساختند و روزه‌داران را سر کار راه نمی‌دادند. اما با این اوصاف انسان‌های باایمان کم نبودند که روزه می‌گرفتند. (چشم‌انداز، ش ۱۱)

نماز

نماز نزد اسماعیلیان پامیر فرض می‌باشد و به آن خیلی اهمیت می‌دهند. آن‌ها در یک شبانه روز سه وعده نماز می‌خوانند که هم به جماعت و هم به فرادا قابل خواندن است. اوقات این سه وعده تقریباً مانند وقت‌های نماز مغرب، عشا و فجر است. (هالیستر، ۴۳۱ و بهمن پور، ۳۵۰) اسماعیلیان پامیر نماز ظهر و عصر ندارند و نمازهای سه‌گانه نیز بسیار با نمازهای سایر مسلمانان تفاوت دارد. متن نماز موافق فرمان امام تغییر می‌کند و خطبه به نام امام وقت خوانده می‌شود که متن آن از آیات قرآن است. (چشم‌انداز، ش ۱۱) نماز آن‌ها قیام و رکوع ندارد و همیشه در حالت نشسته رو به طرف قبله خوانده می‌شود مگر موقعی که نام امام حاضر و زنده که تمام دعاها خطاب به اوست برده شود که در این هنگام همه سجده می‌کنند. (هالیستر، ۴۳۲)

بنابر شرح نماز اسماعیلیان که جان نورمن هالیستر در کتاب تشیع در هند آورده، نماز آن‌ها حالتی ذکر و دعا مانند است که سرشار از اجزاء و بخش‌هایی خطاب به امام است. بعد از دعا ذکر اسامی پیران با تسبیح صد و یک دانه‌ای تربت کربلا از مهم‌ترین اعمال عبادی آن‌ها محسوب می‌شود؛ (هالیستر، ۴۳۴) نماز اسماعیلیان پامیر دارای شش سجده بوده و سن نماز خواندن از هفت سالگی شروع می‌شود. در سال‌های حکومت شوروی سابق نماز خواندن ممنوع بود، آن‌ها پس از چهل سالگی به نماز خوانی روی می‌آورده‌اند. اما اکنون در هر خانواده‌ای نماز می‌خوانند. (چشم‌انداز، ش ۱۱)

در نماز جماعت خلیفه یا پیر امامت را به عهده دارد و در جلو نیست بلکه در صف اول با

نمازگزاران است. زنان و مردان از هم جدا بوده تقریباً ۵۰ سانتی متر بین آنها فاصله است و هیچ پرده و حائلی میان آنها نیست. اسماعیلیان پامیر اذان ندارند و هرگز در مناطق سکونت آنها صدای اذان شنیده نمی شود. آنها اعتقاد به اصل اذان دارند ولی آن را در وقت نماز نمی گویند البته با گفتن اذان مخالف نیستند و اگر گفته شود از آن استقبال می کنند. ایشان در نماز اقامه هم ندارند. شاید سبب این باشد که آنها به مسائل نماز مانند: واجب، فرض، سنت و مستحب توجه نمی کنند یا اصلاً آن را در نماز ندارند.

اسماعیلیان پامیر نماز جمعه دارند ولی با نماز جمعه سایر مسلمانان تفاوت دارد؛ اذان و اقامه ندارد و در وقت شام و مغرب خوانده می شود و محتوای آن هم کاملاً فرق دارد، در اصل خطبه ندارند ولی چیزی خطبه مانند در مورد تعلیم و تبلیغ خوانده می شود.

کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) یکی از مهم ترین کتاب های اسماعیلیه می باشد و از سوی دیگر ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ق) در میان اسماعیلیان پامیر از جایگاه بالایی برخوردار بوده و کتاب وجه دین وی یکی از مهم ترین کتاب های آنها می باشد. در این دو کتاب در مورد نماز به تفصیل سخن گفته شده و اوقات پنج گانه نمازهای فجر، ظهر، عصر، مغرب و عشا ذکر و فرائض و سنت های نماز بیان شده است. (ناصر خسرو، وجه دین، ۱۳۰ و ابوحنیفه، ۱۷۷)

حالا سؤال این جا است که چه عواملی باعث شده که اسماعیلیان پامیر نماز خود را تغییر بدهند و این تغییر و دگرگونی در چه زمانی بوده است؟ برای ما معلوم نیست مگر از گفته ی جان نورمن. وی در کتاب خود چنین می نویسد:

اوقات نماز خوجه ها را پیر تعیین کرده است و پیش از او خوجه ها سه بار در دژ جماعت خانه اجتماع می کردند که با گرداندن دانه های تسبیح شیشه ای یا عقیقی و یا از آن بهتر تسبیحی با دانه های تربت کربلا، صورت می گرفت، رسمی که هنوز هم ادامه دارد. (هالیستر، ۴۳۱)

جان نورمن به تاریخ تغییر نماز حاضر اسماعیلیان اشاره کرده است ولی به گفته ی وی نماز آنها قبل از آن تغییر یافته است، هر چند به تاریخ دقیق دگرگونی آن اشاره نکرده است.

وجوهات شرعی

یکی از مسائل بسیار مهم نزد اسماعیلیان پامیر دادن وجوهات و عوائد می باشد که در مواقع

مختلف و به مناسبت‌های گوناگون به آقاخان می‌پردازند. این نوع وجوهات شرعی بسیار زیادند که مهم‌ترین آن‌ها شامل خمس، زکات و عشریه به‌عنوان وجوهات واجب و نذورات و صدقات به‌عنوان وجوهات مستحبی پرداخته می‌شود. (ناصر خسرو، وجه دین، ۱۸۷ و بهمن پور، ۳۴۹) مقدم بر تمام این وجوهات (مالیات‌ها) عشریه است. از دیرباز یعنی از سال ۸۳۳ق صدرالدین، کیسه عشریه را به‌همین منظور به اطراف جهت جمع‌آوری می‌فرستاد و طی حکمی که در دادخواهی در سال ۱۲۴۵ق صادر شد تمام صدقات را از آن شخص امام دانست و به او اختیار داد تا وجوه دریافتی را به هر ترتیبی که صلاح بداند، خرج کند. (هالیستر، ۴۳۸)

اسماعیلیان پامیر از زمان گذشته وجوهات شرعی، نذورات و صدقات خود را به محضر امامان خود می‌رسانده‌اند. (دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ۵۷۷، ۵۷۲ و فدایی، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۴۰ و نادرخان، ۱۵۷) ولی پس از انقلاب اکتبر سال ۱۲۹۶ق دیگر قادر به ارسال مالیات و عوائد خود به آقاخان نبودند. (عدن نیبی، ش ۱، ۱۷۸) و بعد از استقلال کشور تاجیکستان (۱۳۷۰ق) و ارتباط با آقاخان چهارم، مردم توانستند وجوهات شرعی خود را از طریق نمایندگان آقاخان به وی برسانند و این رسم تا امروز هم رواج دارد.

مساجد و مدارس

اسماعیلیان پامیر مسجد ندارند و به جای مسجد نمازخانه دارند که به آن جماعت‌خانه می‌گویند. در اصل جماعت‌خانه تقریباً مانند مسجد است که در آن علاوه بر نماز، ختم، مراسم‌ها و امور اجتماعی نیز برگزار می‌شود. از آن‌جا که جماعت‌خانه‌ها مسجد نیستند از طرف دولت برنامه‌ها و قانونی برای آن وضع نشده است. بنا به گفته‌ی نماینده دین در وزارت فرهنگ آقای سعیدبیگ محمد علی‌اف، اسماعیلیان پامیر شانس بیش‌تری در ایجاد و تأسیس جماعت‌خانه دارند چراکه در مورد جماعت‌خانه تا به حال برنامه‌های خاصی از طرف دولت در نظر گرفته نشده است.

اسماعیلیان پامیر در مناطق مختلف تاجیکستان جماعت‌خانه دارند از جمله در شهر دوشنبه و در ناحیه قم‌سنگیر که از بیرون مانند مسجد است. اگر مرکز اسماعیلیه را در شهر دوشنبه مسجد بدانیم، این اولین مسجد اسماعیلیان تاجیکستان خواهد بود.

اسماعیلیان پامیر هیچ مدرسه‌ی دینی ندارند، ولی بنابر گفته کارمندان کمیته دین از ۹۷

مدرسه‌ای که در تاجیکستان وجود دارد تنها یکی از آن مدارس، برای پیروان اسماعیلیه است. به احتمال قوی این همان مرکز اسماعیلیه در شهر دوشنبه است. البته آقاخان چهارم تصمیم دارد یک دانشگاه بین‌المللی در بام جهان در بدخشان و در مرکز اسماعیلیان پامیر، در شهر خاوغ بنا کند. این دانشگاه که طرح‌های اولیه‌ی آن به اجرا در آمده است با مساحت بزرگ، امکانات پیشرفته و سالن‌های مختلف فرهنگی و ورزشی مانند سالن استخر و چمن فوتبال در حال احداث است.

تعلیم و تبلیغ

وقتی که اسماعیلیان پامیر از اسماعیلیان جهان جدا شدند دوران رکود و افول آن‌ها آغاز گردید. پیران و خلیفه‌های با سواد از دنیا رفتند و تعلیم اسماعیلی به دست افراد بی‌سواد افتاد و تنها در ظاهر، مسائل مذهبی را حفظ کرده و سینه به سینه منتقل کردند. در میان آن‌ها عالمان و طالبان دینی بسیار کم است. (نادرخان، ۱۸۴، عدن نیبی، ش ۱، ۱۷۸)، این عالمان نخواستند مسائل دینی و مذهبی اسماعیلیه را به خوبی نمی‌دانند و آموزش دینی و مذهبی درباره‌ی فقه، عقاید، حدیث، تفسیر و غیره داده نمی‌شود. ولی در دانشگاه‌ها و مکتب‌ها (مدارس)، تاریخ اسلام گفته می‌شود و در غیر این صورت چیزی در مورد اسماعیلیان دیده نمی‌شود. عدم وجود عالمان و مدارس دینی باعث عقب ماندگی آن‌ها شده است.

فعالیت‌های تبلیغی در بین آن‌ها بسیار ضعیف است اگر چه در خطبه‌های نماز جمعه و غیره تبلیغی صورت می‌گیرد ولی توجه جدی به آن نمی‌شود. تبلیغات آن‌ها در مورد اخلاق و مسائل مذهبی می‌باشد و تبلیغی که بتواند دیگران را به کیش اسماعیلی دعوت کند دیده نشده یا اصلاً ندارند. در تاجیکستان فقط به پامیری‌ها شیعه اسماعیلی می‌گویند؛ تا به حال دیده نشده که دیگران بر اثر تبلیغ اسماعیلیان پامیر، شیعه اسماعیلی شده باشند. با تأسیس مرکز اسماعیلیه در شهر دوشنبه احتمال می‌رود که در سایه‌ی فعالیت‌ها و آموزش‌های مختلف از قبیل: زبان خارجی، کامپیوتر، تکنولوژی و غیره عقاید و افکار اسماعیلیه به مردم معرفی شود.

مرکز اسماعیلیه در تاجیکستان

اسماعیلیان پامیر سال‌ها بود که پراکنده بودند و زیر نظر نهاد یا مؤسسه خاصی نبودند که بیان‌گر هویت آن‌ها باشد، آقاخان چهارم تصمیم گرفت یک مرکز اسماعیلیه در تاجیکستان بنا کند. وی در سفری که در سال ۲۰۰۳م به تاجیکستان داشت با همراهی رئیس‌جمهور این کشور امام علی رحمان، اولین خشت این مرکز را در شهر دوشنبه نهادند و در روز ۱۲ اکتبر سال ۲۰۰۹م احداث این مرکز به پایان رسید. با شرکت آقاخان چهارم و خانواده‌اش، امام علی رحمان، عده‌ای از وزیران و سیاست‌مداران و جمعیتی کثیر که از نقاط مختلف تاجیکستان که به جهت دیدن آقاخان و این مرکز آمده بودند، افتتاح گردید.

این پنجمین مرکز اسماعیلیه در جهان بود که افتتاح می‌شد چهار مرکز دیگر پیش‌تر در انگلستان، کانادا، پرتقال و امارات بنا شده بود. همه‌ی این مراکز با سرمایه بنیاد رشد آقاخان ساخته شده است.

مرکز واقع در دوشنبه دارای چهار بخش می‌باشد؛ مأموری، جوانان، تربیتی و تالار اجتماعی و جماعت‌خانه. اساس این مرکز، فرهنگی و غیر سیاسی است و اصول برنامه‌های آن مبتنی بر مسائل آموزشی است. اسماعیلیان پامیر از احداث این مرکز خوشحال‌اند و بنابر دموکراتیک بودن حکومت تاجیکستان بنای چنین مرکزی را حق مسلم اسماعیلیان می‌دانند.

اسماعیلیان بدخشان و مسلمانان تاجیکستان

شرایط مذهبی آسیای میانه چه قبل از اسلام و چه بعد از آن با یک نوع تساهل و تسامح همراه بوده است که باعث ظهور و رشد مذاهب گوناگون می‌شد. مردم مسلمان تاجیک این ویژگی و خصوصیت را حفظ نموده و امروز هم می‌توان تساهل و تسامح مذهبی را در میان آن‌ها دید. از سوی دیگر اسلامی که در تاجیکستان وجود دارد یک اسلام معتدل، مسالمت‌آمیز و تحمل‌پذیر است. در این کشور مسائل فقهی و ادبیات نسبت به مسائلی دیگری دینی رواج بیش‌تری دارد و جریان کلامی بسیار ضعیف می‌باشد.

با وجود هردو جمعیت شیعه و سنی در آن تا به حال دیده نشده که این دو گروه بر سر مسائل کلامی یکدیگر را تکفیر کنند و یا درگیری میان آن‌ها ایجاد شده باشد. می‌توان در این امر،

سخت‌گیری حکومت شوروی سابق را مؤثر دانست چون در آن دوران مخالفت با دین اسلام هدف اصلی آن‌ها بود، این سخت‌گیری ناخودآگاه تاثیر خود را گذاشت و مسلمانان را نسبت به ارکان اسلام و واجبات دینی بی‌تفاوت و بی‌اهمیت بار آورد.

مردم تاجیک، اسماعیلیان پامیر را مسلمان می‌دانند و با آن‌ها به‌عنوان مسلمان معامله می‌کنند. اسماعیلیان پامیر در مراسم و معرکه‌ها در کنار بقیه مسلمانان بوده و پشت سر آن‌ها نماز می‌خوانند و برخی از آن‌ها به اهل سنت گرویده‌اند. اسماعیلیان پامیر در دوران جنگ داخلی تاجیکستان از طرفداران سرسخت حزب اسلامی بودند. امروزه دو هزار نفر از آن‌ها عضو حزب نهضت اسلامی تاجیکستان می‌باشند. پامیریان مردمی خوش خلق، خون‌گرم و خوش مرأوده هستند.

مسلمانان تاجیکستان اعم از شیعه و سنی سالیان درازی است که در پرتو وحدت اسلامی در کنار هم زندگی می‌کنند. در وحدت و همزیستی میان آنها چند عامل موثر بوده است. الف: سخت‌گیری‌های حکومت کمونیستی تاجیکستان، ب: مطرح نبودن مسائل کلامی میان مسلمانان، ج: تبلیغات نداشتن شیعیان اسماعیلی، د: عدم پایبندی و جدی نبودن اسماعیلیان پامیر در مسائلی عقیدتی، ه: شیعیان اسماعیلی تاجیکستان مانند شیعیان ایران، پاکستان و مناطق دیگر مورد حمله و تکفیر قرار ندارند، و: در ارتباط و معاملات با اسماعیلیان پامیر بیشتر جنبه قومی آن‌ها لحاظ می‌شود نه جنبه مذهبی.

نتیجه

کیش اسماعیلی از همان آغاز پیدایش خود توسط داعیان این مذهب در تاجیکستان، طرفدارانی پیدا کرد و در سال‌های بعد، فعالیت این مذهب در تاجیکستان اوج گرفت. ناصر خسرو بزرگ‌ترین نقش را در ترویج و گسترش کیش اسماعیلی در تاجیکستان داشت. وی از سال ۴۴۴ تا ۴۸۱ ق در بلخ و بدخشان، به‌عنوان داعی و حجت به تبلیغ آیین اسماعیلی مشغول بوده است. در هنگام حمله مغول به تاجیکستان، مناطق بدخشان که در حصار کوه‌ها بوده و از حمله مغول دور مانده و برای اسماعیلیان دیگر مناطق، به پناهگاه تبدیل شده بود. اسماعیلیان کنونی تاجیکستان هر چند که کیش خود را تا به حال حفظ کرده‌اند ولی در مجموع، در دوره‌های اخیر از لحاظ علمی و فرهنگی به انحطاط گراییده و در عقایدشان خرافات بسیار راه یافته است. اسماعیلیان امروز تاجیکستان در مورد حضرت علی علیه السلام و امامان اسماعیلی‌شان بسیار غلو می‌کنند و معتقد به حلولیت و تناسخ در مورد ائمه هستند آنان به احکام شرعی نیز چندان پای‌بندی ندارند.

منابع

- ابن اثیر، **الکامل فی التاريخ**، بیروت، دار الکتب العربی، ۲۰۰۴م.
- ابن کثیر، **البدایة و النهایة**، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۳م.
- ابن ندیم، **کتاب الفهرست**، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۳۰ هـ / ۲۰۰۹ م
- ابوحنیفه، قاضی نعمان بن محمد، **دعائم الاسلام**، بیروت، دار الاضیاء، ۱۹۹۵م.
- اسپوزیتو، جان. ل، **دایرة المعارف جهان نوین اسلام**، ترجمه و تحقیق زیر نظر حسن طارمی، تهران، نشر کتاب مرجع و کنگره، ۱۳۸۸ش.
- آشتیانی، اقبال عباس، **تاریخ مغول**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- بولدیرف، ان، گریگوریف، س.ی، **تاریخ بدخشان**، مسکو، انتشارات ادبیات خاور فرهنگستان علوم روسیه، ۱۹۹۸م.
- بابرینسکی، **اسماعیلیان**، ترجمه‌ی جان بابایف و محمد شیزاد شایف، خاروغ: اتحادیه استحصالی مطبعه‌های ولایت مختار بدخشان ۱۹۹۲ م.
- بامداد، مهدی، **شرح رجال ایران**، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۸ش.
- بلخی، عبدالله بن عمر صفی الدین، **فضایل بلخ**، تهران، جنگل، بی تا
- بهمن پور، محمد سعید، **اسماعیلیه از گذشته تا حال**، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۷ش.
- تارم، میثم، تاریخ و عقاید **اسماعیلیه آقاخانیه**، کرمان، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۷۴ش.
- تامر، عارف، **تاریخ الاسماعیلیه**، بیروت، ریاض الرئيس للکتب و النشر، ۱۹۹۱م.
- ثعالبی، **آداب الملوک**، تحقیق جلیل العطیه بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۵م.
- جعفریان، رسول، **اطلس شیعه**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروی مسلح، ۱۳۸۷ش.
- الجوینی، **تاریخ جهان گشا**، تصحیح محمد قزوینی، لیدن هلند، مطبعة بریل، ۱۹۱۶م.
- {نامعلوم}، **سنت‌ها و رسوم مذهبی اسماعیلیان بدخشان**، چشم‌انداز، شماره ۱۱.
- حاتم، نماز، **تاریخ خلق تاجیک**، دوشنبه، انتشارات اپاگراف، ۲۰۰۷م.
- حسینی، سید مهدی، **آقاخان و اسماعیلیه بدخشان تاجیکستان**، فصل‌نامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه، شماره ۵، ۱۳۷۳ش.

خسرو، ناصر، **جامع الحکمتین**، تهران، نشر شرکت گلشن، ۱۳۶۳ ش.

_____، **دیوان اشعار**، تهران، نشر علم، ۱۳۸۵.

_____، **سفر نامه**، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲ ش.

_____، **وجه دین**، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲ ش.

خوشدل، محمدرضا، **غریب دره یمگان**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ ش.

خیر خواه، **شناخت امام. (رساله اسماعیلیه در حدود دین)**، مصحح ایوانوف، تهران، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۹۵۹ م.

دفتری، فرهاد، **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**، ترجمه‌ی دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، نشر پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۵ ش.

_____، **مختصری در تاریخ اسماعیلیه سنت‌های یک جماعت مسلمان**،

ترجمه‌ی دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، نشر پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۸ ش.

ذاکر اف، فیض علی، **ذاکر آوا و ملیکه**، نبی آوا، تاجیکستان در عصر ۲۰ و ابتدای عصر ۲۱، دوشنبه، انتشارات مطبوعات، ۲۰۰۸ م.

صابری، حسین، **تاریخ فرق اسلامی**، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.

صدر حاج سید جواد، **دایرة المعارف تشیع**، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۱ ش.

عدن نیبی، ترجمه‌ی احتشامی اکبری، کاملیا، فصل‌نامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه شماره ۱، سال ۱۳۷۱ ش.

غفوروف، باباجان، تاجیکان، دوشنبه، انتشارات عرفان، ۱۹۹۷ م.

فدائی، محمد بن زین‌العابدین، **تاریخ اسماعیلیه**. (هدایة المؤمنین الطالبین)، تصحیح الکسادر سیمینوف، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳ ش.

۵۷

فرقانی، محمد فاروق، **تاریخ اسماعیلیه قهستان، تهران**، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.

فرهنگ مصادر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی تاجیکستان، دوشنبه، نشر پیوند، ۱۹۹۸ م.

فضای، یوسف، **مذهب اسماعیلی و نهضت حسن صباح**، تهران، عطایی، ۱۳۷۴ ش.

فن برکه، آسترید و والنتین بوشکف، **جنگ داخل تاجیکستان**، ترجمه‌ی لادن مختاری و علی رحمانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱ ش.

- الگار، حامد، **شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله**، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۰ ش.
- گروه مذاهب اسلامی، **اسماعیلیه (مجموعه مقالات)**، تصحیح فرهاد دفتری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.
- قفطی، **تاریخ الحکماء**، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۴۷ ش.
- مصاحب، غلامحسین، **دایرة المعارف فارسی**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ ش.
- منظمی، رویا، **تاجیکستان**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ ش.
- موسوی بجنوردی، **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، تهران، نشر مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- موسوی، سیدرسول، **صلح تاجیکستان به روایت اسناد**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ ش.
- نادرخان، محمد، **راهنمای قطغان و بدخشان**، مصحح دکتر منوچهری ستوده، تهران، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۶ ش.
- میرسلیم مصطفی و حداد عادل، **دانش‌نامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- ناصری، عبدالمجید، **تاریخ تشیع در افغانستان**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- نور، شمس الحق، **اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر**، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه ی هنری، ۱۳۷۴ ش.
- نیشابوری، محمد کریم، **تاریخ و عقاید فرقه آقاخانیه**، محقق حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۶ ش.
- هاجسن، مارشال، **فرقه اسماعیلیه**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۴۶.
- هالیستر، جان نورمن، **تشیع در هند**، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.